

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

تیمور شاه تیموری

المان – 21 جنوری 2012

پیر مرد

یادآوری یکی از هزاران واقعه پرتاب راکتهای کور
بر شهر کابل

قصه بینواي بی سامان
جسم باریک و قامتی چو کمان
نگهش سرد و پیکرش لرزان
دیده اش هر طرف بود حیران
نیمه ای از بدن بُدش عُرّیان
دست بر دست داده و نالان
که مرا داشت دوست ترا زجان
که مرا بود عزت دوران
آن پریچهرگان حور و شان
خون میکرد از تنش فوران
کای مسلمان مردم افغان
من که پیر و زهیرم و حیران
زن و فرزند شد بخاک نهان
آفتی کورد نزول بر مایان
قصه من کنید ورد زبان
زین جفاکاریهای اهل زمان

این حکایت شنیدم از یاران
پیرمردی ردا بـ دوشی
بـرف پیری فتاده بر رویش
رنگش از رنج زعفران گشته
زان لباسی که بود بر تن او
پا ز پاپوش بود بی بهـره
گاه میگفت بُد مرا پسری
گاه میگفت دخترانم بود
گاه میگفت طفلکانم کو؟
پیر میگفت و زار مینالید
بار دیگر به نوحه کرد آغاز
نالۀ من چـرا نمیشنوید؟؟؟
خانه ام در گرفت و لانه بسوخت
کور و کر گشتم از صدای مهیب
از تمام شما طـلب دارم
یک به یک سانحه بیان کنید

من برفتم خدای یاور تان صد چو من اینچنین بشد ز جهان
پیر در لحظه ای که جان میداد گفت ای خالق زمین و زمان
عقل و فهمی نصیب ایشان کن
تاشوند پیرو حدیث و قرآن